

نقد و بررسی کتاب سیاستنامه سعدی: روح الله اسلامی
تألیف روح الله اسلامی، ناشر: نیسا ۱۳۹۷. ۱۶۸ صفحه.

مریم صادقی^۱

۱. معرفی و توصیف اثر:

کتاب: *سیاستنامه سعدی*، نوشته روح الله اسلامی، ۱۶۸ صفحه و یک جلد، انتشارات نیسا، ۱۳۹۷. این کتاب، پس از پیشگفتاری درباره ساختار گرایي در چهار فصل با عناوین زیر تدوین شده است: فصل یکم: تدبیر ساختار قدرت که خود دارای سه بخش است که البته بخش‌ها تناسب چندانی با یکدیگر ندارند؛ فصل دوم: تدبیر ساختار ثروت که خود دارای سه عنوان فرعی است؛ فصل سوم: تدبیر ساختار لذت که دارای سه مبحث فرعی است؛ فصل چهارم: تدبیر ساختار مذهب که باز هم دارای سه عنوان فرعی است؛ نویسنده، چهار عنصر را با سیاست مرتبط دانسته و درباره آنها مطالبی نوشته است.

۲. تحلیل و ارزیابی اثر:

در ابتدا باید گفت که در این کتاب، مسائل گوناگون با یکدیگر خلط شده و نویسنده هر آنچه سعدی در گلستان نوشته، بدون توضیحات لازم تحت عنوان «سیاستنامه سعدی» تحلیل نموده است. در این کتاب، هیچ تئوری و دیدگاهی در باب اندیشه سیاسی یا روش و روال و مبانی سیاستنامه‌ها وجود ندارد. نویسنده در این اثر، لازم بود با استفاده از منابع مهمی که درباره موضوع کتاب منتشر شده، مبانی اندیشه‌های سیاسی اسلام را مورد بررسی قرار می‌داد؛ شاید کتاب‌ها را یا نمی‌شناسد یا مطالعه ننموده است. در این کتاب هیچ چارچوب نظری و تعریف مشخصی از سیاستنامه نیامده است. با توجه به عناوین اصلی چهار فصل کتاب - که قدرت، ثروت، لذت و مذهب است - هیچ تعریف و مبنایی برای ارتباط اینها با اندیشه سیاسی بیان نشده و نویسنده محترم چارچوب و مبنای نظری کار خود را مطلقاً توضیح نداده است، لذا این کتاب را نمی‌توان یک اثر تحلیلی و آموزشی به‌شمار آورد.

^۱ اسناد دانشگاه آزاد اسلامی، تهران مرکز. sadeghi.ma.38@gmail.com

بسیاری از مفاهیم اصلی و پژوهشی کتاب، نه تنها تبیین و تعریف نشده بلکه به نظر این جانب، درست هم فهمیده نشده؛ مانند اندیشهٔ ایرانشهری، اندیشهٔ سیاسی، مبانی حکومتی حکومت‌های پس از اسلام، مبانی حکومت‌های پیش از اسلام، متافیزیک قدرت و موارد بسیار دیگر.

نویسنده در این کتاب، جملات شعاری و تبلیغی زیادی نوشته و اثر او بیش از آنکه تحلیل باشد، در واقع توصیف، تبلیغ و تمجید از سعدی است، البته برخی از موارد با دیدگاه انتقادی بیان شده؛ مانند شاهدبازی‌های سعدی یا نظر او در باب زنان که البته باید گفت این مباحث به سیاست و اندیشهٔ سیاسی ارتباط ندارد. بسیاری از شواهد کتاب، ارتباطی به مبحث سیاسی ندارد، ولی نویسنده آنها را ذکر کرده که به دلیل فراوانی این موارد، نمی‌توان آنها را ذکر کرد.

نویسنده در فصل اول کتاب، بدون تعریف مفاهیم اصلی به یک‌باره در واقع متن را از میانه نوشته است؛ او در همان صفحهٔ نخست، به جای تبیین چارچوب‌ها، دیدگاه‌ها و مبانی اثر به توصیف نوشته‌های سعدی پرداخته است؛ برای مثال تحت عنوان «چیستی ساختار قدرت در ایران» در صفحهٔ ۲۵ می‌نویسد: «اولین نبوغ سعدی به ترسیم چهرهٔ سیاست و فهم دقیق او از قدرت برمی‌گردد. گلستان در قالب حکایت‌هایی که بر محور ساختار قدرت سیاسی می‌چرخد، ذات و سرشت قدرت را به‌خوبی تعیین کرده است و الخ»، که نویسنده بدون اینکه ابتدا مفاهیم اصلی، مانند سیاست، سیاستنامه، ساختار قدرت در ایران، موارد دیگر و بدون هیچ مقدمه به سراغ سعدی می‌رود و تلاش دارد با جملات انشایی و تبلیغی، در این مورد مطالبی بنویسد. از این نمونه‌ها در کتاب بسیار می‌توان دید و نیز عناوین دیگر متافیزیک قدرت در ایران و روایت واقع‌گرا قدرت آتش است و غیره.

مباحث زیادی در این کتاب بی‌ارتباط به مبحث سیاستنامه است؛ مانند عشق به مثابه ایدئولوژی در صفحهٔ ۱۱۸؛ ضعف زبان هنری در جهان زیست ایرانی در صفحهٔ ۱۱۹؛ احترام پدر و مادر در صفحهٔ ۱۲۲ و غیره. اصولاً ارتباط فصل سوم یعنی تدبیر ساختار لذت با مبحث اصلی کتاب که سیاستنامهٔ سعدی است و بسیاری موارد دیگر بر این جانب مکشوف نشد.

چون در این اثر، مبانی نظری تبیین و روشن نشده است، نویسنده هر بحثی را با اندکی توصیف به‌طرز غیرعلمی، ذیل عنوان «سیاسی» آورده، بدون اینکه تعریف و دلیل آن را بیان کرده باشد؛ برای مثال در صفحهٔ هشتاد می‌نویسد: «سحبان وائل را در فصاحت بی نظیر نهادند به حکم آنکه بر سر جمع سالی سخن گفتی لفظی مکرر نکردی و گرهمان اتفاق افتادی به عبارتی دیگر بگفتی الخ». معلوم نیست این شاهد مثال چگونه به سیاستنامه‌نویسی مربوط می‌شود؟ در پیشگفتار کتاب، چندین ارجاع به‌طور کلی وجود دارد و دیگر تا پایان کتاب هیچ مطلبی از نویسنده‌ای یا صاحب‌نظری نیامده است.

منابع این کتاب بسیار اندک و اغلب بسیار قدیمی است و غیر از آثار انگلیسی که آنها را مطالعه نکرده‌ام و حتی برخی منابع، بی‌ارتباط با مسئلهٔ اصلی کتاب است.

درواقع می‌توان گفت این کتاب یک کشکول است تا کتاب تحلیلی. این کتاب، توصیف است؛ توصیفات تبلیغی، انشایی، کاملاً غیر علمی است و فقط برای آنکه سعدی را بار دیگر با تمجیداتی از نوعی دیگر مفید است.

برخی تفسیرهای نویسنده هم جای تأمل دارد؛ مانند تفسیر نویسنده از این جمله سعدی «هرکه علم خواند و عمل نکرد بدان ماند که گاو راند و تخم نیفشاند». نویسنده در تفسیر این جمله در صفحه ۱۴۴ می‌نویسد: «اگر دانشی بیش از اندازه سر در آسمان داشته باشد و بیهوده همه علل را به متافیزیک حواله دهد...». ارتباط این دو قسمت برای این جانب معلوم نشد و موارد بسیار دیگر باعث شده است که این جانب، این اثر را مطلقاً برای آموزش در دانشگاه مناسب نمی‌دانم. به نظر این جانب، در باب این کتاب سخن گفتن بیش از این جایز نیست.